

اخلاق پژوهش در حوزه علوم اجتماعی

نرگس خالقی*

گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه قم

چکیده

زمینه: اخلاق پژوهش، شاخه‌ای از اخلاق حرفه‌ای است و به اصول اخلاقی‌ای که پژوهش را از آغاز تا پایان کار هدایت می‌کنند، می‌پردازد. تاکنون، بیشترین توجه به اخلاق پژوهش در حوزه پزشکی بوده‌است، در حالی که به نظر می‌رسد اخلاق پژوهش در حوزه علوم اجتماعی و انسانی، به این دلیل که یافته‌ها و نتایج این گونه پژوهش‌ها، هم به فرد و هم به محیط فراتر از جامعه علمی مربوط می‌شود و با ابعاد مختلف زندگی بشر در ارتباط است، اهمیت بیشتری دارد. از این رو، هدف مقاله حاضر، پرداختن به اخلاق پژوهش در حوزه علوم اجتماعی و تأکید بر لزوم تدوین انجمن‌هایی یا کمیته‌هایی به منظور نظارت بر مسائل اخلاقی پژوهش است.

روش کار: پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی به انجام رسیده است.

نتیجه‌گیری: پس از بررسی اخلاق پژوهش در حوزه علوم اجتماعی از سه بعد: ارتباط با مشارکت‌کنندگان در پژوهش (آزمودنی انسانی)؛ ارتباط با جامعه (انتشار نتایج پژوهش) و ارتباط با پژوهشگر، می‌توان نتیجه گرفت: با توجه به این که پژوهش‌های حوزه علوم اجتماعی، در حوزه موضوع، روش‌ها و رویکردهای روش‌شناسی متنوع هستند، انجام گام به گام پژوهش، زیر نظر کمیته‌های اخلاق پژوهش (که از سوی دانشگاه‌ها، مؤسسات و نهادهای مرتبط با حوزه پژوهش و انجمن‌های علمی در رشته‌های علوم اجتماعی ایجاد شده‌اند)، ضروری به نظر می‌رسد. در پایان، ایجاد چنین انجمن‌هایی به منظور سر و سامان دادن به وضعیت اخلاق پژوهش در ایران نیز پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اخلاق در پژوهش، اخلاق انتشار نتایج پژوهش، اخلاق پژوهشگر، کمیته اخلاق پژوهش

سرآغاز

پژوهشگران با تولیدات علمی، اختراعات و اکتشافات خود در محیط پیرامون دخل و تصرف می‌نمایند، آشنایی آن‌ها با اصول اخلاقی در پژوهش ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، اخلاق پژوهش، که شاخه‌ای از اخلاق حرفه‌ای است، سعی دارد به بررسی مسائل اخلاقی در پژوهش بپردازد و در این زمینه، به اصول اخلاقی‌ای اشاره دارد که پژوهش را از ابتدا تا پایان و سپس در مراحل انتشار نتایج و پس از آن، هدایت می‌کنند.

مروری بر مطالعات انجام شده، بویژه در ایران، بیانگر این است که بیشترین توجه به اخلاق پژوهش در حوزه علوم پزشکی می‌باشد، در حالی که به نظر می‌رسد اخلاق پژوهش در حوزه علوم اجتماعی و انسانی، کم اهمیت‌تر از علوم پزشکی نیست و هر پژوهشگری حتی پژوهشگرانی که مستقیماً با مشارکت‌کنندگان (آزمودنی انسانی) در

پژوهش، گامی است که پژوهشگر برای شفاف‌کردن مسأله‌ای مبهم بر می‌دارد تا پاسخ دقیق و منطقی برای حل آن پیدا کند (۱). پژوهش علمی، علاوه بر آن که به‌عنوان جستجوی محض دانش، ارزشمند است، فعالیتی ضروری و حیاتی است که به‌منظور فهم و درک ما از جهان، شرایط مادی، زندگی اجتماعی و سعادت و خیرمان انجام می‌شود و با آن که قرار است به حل مشکلات بزرگی که بشر با آن روبه‌روست (مانند تهدید به جنگ هسته‌ای، تخریب محیط‌زیست، پراکندگی و توزیع نامتوازن منابع زمینی) کمک کند، در عین حال، احتمال دارد مشکلات بشر را حادتر کرده، به آن‌ها دامن بزند؛ چرا که پژوهش، اگر به درستی هدایت نشود و در مسیر توسعه معنوی و رشد اخلاق نباشد، عامل تخریب و نابودی به شمار می‌رود. از آن جا که

نرگس خالقی: اخلاق پژوهش در حوزه علوم اجتماعی

تحقیقات بر روی ۴۰۰ بیمار آفریقایی مبتلا به سفلیس، بدون این که کار درمانی بر روی آن‌ها انجام گیرد و انجام تحقیقاتی خشن و غیرانسانی بر روی جنین انسان بوده است (۳، ۴). اولین تلاش برای تدوین اخلاق پژوهش، بیانیه نورمبرگ^۱ بود. این بیانیه آزمایش‌های غیرانسانی نازی‌ها را بر روی زندانیان سیاسی و اسرای جنگی در خلال جنگ جهانی دوم، محکوم می‌کرد.

پس از بیانیه نورمبرگ، بیانیه هلسینکی^۲ در سال ۱۹۶۴ توسط مجمع جهانی پزشکی در فنلاند صادر شد که دومین تلاش بین‌المللی است و از آن به بعد، حامی و پشتیبان اساسی قواعد اخلاق پژوهش بوده است. این قوانین در سال ۱۹۷۵ در توکیو مورد بازنگری قرار گرفت و به بیانیه "هلسینکی دو" معروف شد و تا سال ۲۰۰۰ مرتباً مورد تجدید نظر قرار گرفته است. نکته اساسی که این بیانیه به آن اشاره می‌کند، این است که علاقه به دانش و جامعه نباید نسبت به سلامت و خیر مشارکت‌کنندگان در پژوهش در اولویت قرار گیرد. در اصلاحاتی که سال ۲۰۰۰ در این بیانیه ایجاد شد، توجه بیشتر به نقش کمیته‌های اخلاقی در خصوص نظارت بر آزمایش‌ها و حوادث نامطلوب و مهار جنبه‌های مالی پژوهش مشهود است (۳، ۴).

این دو بیانیه، آغازی برای تدوین رهنمودهای اخلاقی، فکر تأسیس کمیته‌های اخلاقی و توجه به اخلاق در پژوهش در حوزه‌های مختلف دانش بشری از جمله علوم اجتماعی بوده‌اند.

اصول اخلاقی مرتبط با شرکت‌کنندگان در پژوهش (آزمودنی انسانی)

استفاده از انسان‌ها به عنوان آزمودنی‌های پژوهش، در بین پژوهشگران (بویژه در حوزه علوم اجتماعی) متداول است. مراد از آزمودنی انسانی، افرادی هستند که پژوهش به نوعی بر اساس مشارکت این افراد و اطلاعاتی که (به روش مصاحبه، پرسشنامه و ...) در اختیار می‌گذارند، شکل می‌گیرد. چندین اصل اخلاقی بر چنین پژوهشی حاکم است: رضایت آگاهانه، حریم خصوصی، ناشناسی، محرمانگی و آسیب نرساندن.

پژوهش‌هایشان سر و کار ندارند، ممکن است در روند پژوهش، در ارتباط با تأمین منابع مالی، گردآوری داده‌ها، انتخاب یا گزارش داده‌ها و ... با مشکلات اخلاقی مواجه شوند و از آن‌جا که در پژوهش علوم اجتماعی، پژوهشگران به‌طور مستمر با مجموعه‌ای از مسائل اجتماعی - سیاسی پیرامون خود و نفوذ نسبی این مسائل در تصمیم‌گیری‌هایشان در مورد پژوهش روبرو هستند، وجود رابطه‌ای تنگاتنگ بین مسائل اخلاقی و پژوهش، به‌طور کلی احساس می‌شود.

هر رشته یا شاخه از علم که از جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی با رفتار انسانی مرتبط باشد، در حوزه علوم اجتماعی قرار می‌گیرد. علوم اجتماعی شامل: مردم‌شناسی فرهنگی یا اجتماعی، جامعه‌شناسی، روانشناسی اجتماعی، علوم سیاسی و اجتماعی و آن بخش از حوزه‌های علوم تربیتی است که مرتبط با زمینه‌های اجتماعی یادگیری باشد (۲).

با توجه به این که مهم‌ترین عنصر در اخلاق پژوهش، فرد پژوهشگر است و بقیه عناصر به گونه‌ای در ارتباط با وی هستند، می‌توان وظایف اخلاقی پژوهشگر را به: وظایف فردی، وظایف در قبال جامعه (به لحاظ نتایج پژوهش) و وظایف در قبال مشارکت‌کنندگان تقسیم کرد و از سه زاویه به بررسی موضوع پرداخت. از این رو، در این نوشتار که به روش کتابخانه‌ای و جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی به‌انجام رسیده است، برآنیم تا پس از اشاره مختصر به تاریخچه اخلاق پژوهش، به بررسی مسائل اخلاقی مربوط به مشارکت‌کنندگان در پژوهش‌های حوزه علوم اجتماعی (آزمودنی انسانی) شامل رضایت آگاهانه، حریم خصوصی، ناشناسی، محرمانگی، آسیب نرساندن و نیز اصول اخلاقی مرتبط با اجرای پژوهش، شامل: صداقت در تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌ها و همگانی بودن بپردازیم و در نهایت، وظایف و ویژگی‌های اخلاقی فرد پژوهشگر را تحت عنوان رفتار شایسته و ناشایست، مورد بررسی قرار دهیم.

تاریخچه اخلاق در پژوهش

آن چه در دهه‌های اخیر باعث شد اخلاق پژوهش مورد توجه قرار گیرد، انتشار خبرهای غیراخلاقی مختلفی مانند: تزریق سلول‌های سرطانی کبد به بیماران، بدون اطلاع آن‌ها توسط پژوهشگران آمریکا، تزریق ویروس هپاتیت به یک گروه از کودکان عقب‌مانده ذهنی،

رضایت آگاهانه^۳

حمایت از فرد در مقابل دسترسی دیگران به چیزهای خصوصی‌اش، بدون خواست وی (۷).

انتظار می‌رود احترام به حریم خصوصی، افراد را در برابر مداخله و مشاهده ناخواسته حمایت کند. این اصل، نه تنها در شرایط احساسی کاربرد دارد، بلکه در پرسش‌هایی که به دیدگاه‌های سیاسی و مذهبی، درآمد، تعصبات نژادی، سلامت و بیماری و اعمال جنسی می‌پردازد نیز، به کار می‌رود. این موارد از سوی مجمع روان‌شناسان امریکا به عنوان اطلاعات خصوصی ذکر شده‌اند. پژوهشگر باید مهارت و تدابیر ویژه‌ای را به کاربرد تا رابطه‌ای دوستانه و صمیمی بر فضای پرسش، حاکم شود و از کسب اطلاعات خصوصی مشارکت‌کنندگان به اجبار، خودداری کند. اطلاعات حساس، ممکن است از شخصی به شخص دیگر یا از گروهی به گروه دیگر متفاوت باشند، چرا که روحیات افراد در بروز دادن یا مخفی کردن حریم خصوصی‌شان یکسان نیست. هر چه اطلاعات حساس‌تر باشند، نیاز به نظام امنیتی برای حفظ حریم خصوصی افراد، بیشتر احساس می‌شود. تمایز بین حوزه عمومی و خصوصی نیز ممکن است در خصوص اطلاعاتی که به صورت الکترونیک گردآوری می‌شوند، دشوار باشد. زمانی که داده‌های به دست آمده از چنین تعاملاتی را به کار می‌بریم، پژوهشگر لازم است به این حقیقت توجه داشته باشد که درک مردم از رابطه خصوصی و رابطه عمومی در چنین رسانه‌هایی، ممکن است متفاوت باشد. اطلاعات شخصی قابل شناسایی که برای هدف پژوهشی خاصی گردآوری شده‌اند، نباید برای اهداف پژوهشی دیگر به کار روند. پیش شرط طبیعی برای استفاده مجدد از این اطلاعات، رضایت مجدد شخص درباره آن اطلاعات است. این شرط، برای داده‌هایی که بر اساس آن‌ها شخص مشارکت‌کننده در پژوهش شناسایی نمی‌شود، به کار نمی‌رود (۸).

همچنین، باید توجه داشت که در محیط‌های کوچک، مردم به صورت طبیعی، در مورد زندگی خصوصی هم اطلاع دارند و به راحتی قادر به شناسایی مشارکت‌کنندگان در پژوهش هستند. هر چه مردم بیشتر راجع به زندگی خصوصی افراد بدانند، بیشتر باید برای حفظ این اطلاعات، تلاش کرد. به همین سبب، برای حفظ حریم خصوصی افراد، از دو روش ناشناسی و محرمانگی^{۱۲} استفاده می‌شود؛ چرا که

اکثر منابع مرتبط با اخلاق پژوهش، به رضایت مشارکت‌کنندگان قبل از شروع پژوهش، اشاره داشته‌اند. اساس فلسفی اخلاق پژوهش، در نهایت، بر این حقیقت استوار است که پژوهش، نیاز دارد افرادی که قرار است در آن شرکت کنند، اطلاعات خود را با پژوهشگر به اشتراک بگذارند؛ اطلاعاتی که اغلب، بسیار خصوصی و شخصی است. کسب رضایت آگاهانه شاید به نظر راحت برسد؛ اما بسیاری از پژوهشگران، آن را در عمل دشوار یافته‌اند و در برخی شرایط، کسب چنین رضایتی را لطمه به پژوهش یا پژوهشگر می‌دانند.

همان گونه که فادن و بیچامپ (۵) نیز اشاره کرده‌اند، "پژوهشگر در اکثر شرایط، نیاز دارد تا مشارکت‌کنندگان در پژوهش را با اطلاعاتی راجع به هدف، روش‌ها، خطرهای، مشکلات، ناملازمات و پیامدهای ممکن پژوهش آماده کند و در شرایطی که پژوهش خطر بسیاری دارد، باید فرصت‌های مناسبی برای سرباززدن از مشارکت در پژوهش، بدون دردسر یا گرفتاری، به مشارکت‌کنندگان داده شود". منظور از خطر، آسیب‌های احتمالی جسمی یا روانی و ناراحتی یا فشار وارد شده به مشارکت‌کنندگان در پژوهش است که ممکن است فرایند پژوهش برایشان ایجاد کند. در حوزه علوم اجتماعی، این خطرها شامل: جایگاه اجتماعی مشارکت‌کنندگان در پژوهش، حریم خصوصی، عقاید و ارزش‌های شخصی، ارتباط با خانواده و جامعه و موقعیت حرفه‌ای و شغلی مشارکت‌کنندگان است (مانند پیامدهای آشکار شدن اطلاعات مربوط به رفتارهای غیرقانونی و جنسی) (۶).

با این حال، پژوهشگر باید مسؤلیت تمامی آثار منفی‌ای را که بر روی مشارکت‌کنندگان باقی می‌ماند، حتی اگر خود آن‌ها موافقت کرده باشند، بپذیرد. اطلاع‌رسانی به افراد، هرگز مسؤلیت را به طور کامل از دوش پژوهشگر بر نمی‌دارد.

حریم خصوصی^۵

هر شخص، اطلاعاتی مربوط به خود در نزد خویش دارد که مایل نیست دیگران از آن مطلع شوند. در یک تعریف از "حریم خصوصی" آمده است: چیزی خصوصی نامیده می‌شود که فرد بتواند دسترسی به آن را در مهار خود داشته باشد و حمایت از حریم خصوصی یعنی

فرصت، نام‌ها و نشانی‌ها از روی پرسشنامه‌ها پاک یا برداشته شود و جای آن‌ها را شماره یا نام مستعار بگیرد. اگر چه تمامی محققان از لحاظ قانونی و اخلاقی مجبور به حفظ محرمانگی اطلاعات به‌دست آمده‌اند، اما در برخی موارد، مثلاً زمانی که اطلاعات پژوهش از سوی مراجع قانونی یا کمیته‌های قانون‌گذار درخواست می‌شود، حفظ این اطلاعات مشکل است. از این رو، هنگام گردآوری اطلاعات از مشارکت‌کنندگان، باید به‌طور واضح و دقیق در مورد حدود محرمانگی اطلاعات، آن‌ها را توجیه کرد.

در برخی موارد، حتی در تحقیقات بدون ذکر نام، شناسایی پاسخگویان خاص، بویژه با استفاده از پرسش‌های باز، امکان‌پذیر است، مانند زمانی که پاسخگو مدیر عامل شرکت معرفی باشد و شغل خویش را ذکر کرده باشد. بنابراین، همواره احتمال شناسایی افراد، وجود دارد و پژوهشگر نمی‌تواند به همه جنبه‌ها مسلط باشد ولی هرگز نباید چنین شناسایی‌ای را انجام دهد یا به همکاران پژوهش اجازه چنین کاری را بدهد. همچنین، هرگز نباید اطلاعات دسته‌بندی شده را به شکلی گزارش کند که خواننده بتواند با استفاده از آن، مشارکت‌کنندگان را شناسایی کند (۸، ۱۰، ۱۱).

در مجموع، شاو (۱۲)، دو دشواری را در این زمینه مطرح می‌کند: "اول این که: آیا تمام آزمودنی‌های پژوهش، حق مساوی برای محرمانگی دارند؟ و دوم این که: آیا تعهد به محرمانگی، تمام شرایط را پوشش می‌دهد؟" به نظر می‌رسد، همان‌گونه که وی نیز معتقد است، محرمانگی و ناشناسی، به‌طور کامل ضمانت‌شده نیست.

آسیب نرساندن

آسیب نرساندن بدین معنا است که صدمه‌ای به مشارکت‌کنندگان حتی اگر به‌صورت داوطلبانه شرکت کرده‌اند، وارد نشود. این اصل، ایجاد می‌کند که پژوهش اجتماعی به گونه‌ای هدایت شود که آسیب‌رساندن به گروه‌های اجتماعی یا افراد مشارکت‌کننده در پژوهش و نیز خویشاوندان و اطرافیان آن‌ها را به حداقل برساند. به همین سبب، پژوهش باید به گونه‌ای طرح و هدایت شود که آسیب‌های احتمالی برای مشارکت‌کنندگان را به عنوان یکی از پیامدها در نظر بگیرد (۶). هرچند به نظر می‌رسد پژوهش در حوزه علوم اجتماعی و انسانی با

لازمه حمایت از حریم خصوصی، ناشناسی و محرمانگی است و مهم‌ترین عاملی که مانع جذب پاسخگویان و آسایش خاطر آنان می‌شود، حفظ هویتشان است. گفتنی است همان‌گونه که هومن (۹) بیان داشته است و در ادامه نیز خواهد آمد، حریم خصوصی و محرمانگی، از لحاظ معنایی متفاوت‌اند.

ناشناسی^۶

ناشناسی به این معنا است که پژوهشگر و افرادی که نتایج پژوهش وی را می‌خوانند، راهی برای شناسایی افراد مشارکت‌کننده در پژوهش نداشته باشند و به هیچ‌وجه، نشانه‌ای برای شناسایی مشارکت‌کنندگان در پژوهش وجود نداشته باشد. رعایت این اصل، در پژوهش‌های پیمایشی دشوار می‌نماید؛ زیرا پرسشگر، اطلاعات را از پاسخگویی با هویت مشخص دریافت می‌کند. تحقیق پیمایشی پستی که در آن، قبل از برگشت به دفتر تحقیقاتی، هیچ شماره شناسایی بر روی پرسش‌نامه نوشته نشده باشد، نمونه‌ای از ناشناس ماندن پاسخگوست. البته مسئله ناشناس ماندن پاسخگو، مشکلاتی نیز به همراه دارد. به عنوان مثال، اگر ندانید چه کسانی از پاسخ‌گفتن خودداری کرده‌اند، تنها راه چاره این است که پرسش‌نامه‌ها را مجدداً برای تمام پاسخگویان ارسال کنید و از افرادی که قبلاً پاسخ داده‌اند، تقاضا نمایید که برای بار دوم پرسش‌نامه را پر نکنند. راه دیگر برای ناشناس ماندن مشارکت‌کنندگان، این است که اسم افراد، از اطلاعاتی که می‌دهند، جدا شود یا این که از پرسیدن نام یا هر چیز دیگر که به شناسایی افراد در پروژه تحقیق می‌انجامد، پرهیز گردد یا از نام مستعار استفاده شود. اطمینان مشارکت‌کنندگان از ناشناس ماندن، هم احتمال صحت پاسخ‌ها را افزایش می‌دهد و هم پژوهشگر را از بازجویی مقامات بالاتر، حفظ می‌کند (۶، ۱۰، ۱۱).

محرمانگی^۷

اگر ناشناسی همه‌جا ممکن نیست، محرمانگی را می‌توان ضمانت کرد. محرمانگی به این معناست که پژوهشگر، هویت پاسخ‌دهندگان را می‌داند اما قول می‌دهد که هرگز آن را فاش نکند. پژوهشگر و همکاران پژوهش که به هویت مشارکت‌کنندگان دسترسی دارند، باید برای پایبندی اخلاقی مربوط، توجیه شوند و آموزش ببینند و در اولین

در ارائه نتایج پژوهش، پژوهشگر موظف است محدودیت‌ها را برای خوانندگان بیان کند. اگر در اواخر نتیجه‌گیری و بررسی، متوجه شد که گروهی خاص از نمونه حذف شده‌اند، باید واقعیت را بیان کند. در صورتی که تعدادی از مشارکت‌کنندگان درباره برخی از موضوعات پرسشنامه دچار سوء تفاهم شده باشند، باید حقیقت را برای خوانندگان توضیح دهد. هر نقص یا مشکلی که ممکن است در تجزیه و تحلیل داده‌ها، بر روی نتایج تأثیرگذار بوده باشد، باید برای خوانندگان روشن شود. نتایج منفی حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز باید در نتیجه‌گیری ارائه شود (۱۰، ۱۵). در صورتی که ارتباط غیر منتظره‌ای بین متغیرها آشکار شد، این ارتباط باید به‌عنوان پدیده‌ای غیرمترقبه ارائه شود. در زمینه آمار حاصل از پژوهش یا داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌های کیفی، احتمال دست‌کاری یافته‌ها بر طبق عقاید یا پیش فرض‌های پژوهشگر (یا مبالغه در تعمیم دادن یک بعد) به جای ارائه کل یافته‌ها وجود دارد، این امر در پژوهش‌های کیفی به عنوان پدیده "خوش رنگ و لعاب جلوه دادن"^۸ معروف است. بدین طریق، پژوهشگر، هیجان انگیزترین بخش پژوهش را بزرگ‌نمایی کرده و تعمیم می‌دهد. سوگیری در ارائه نتایج پژوهش، غیراخلاقی است. به‌طور مثال، در مطالعات کیفی، متخصصان آمار می‌توانند آمار را برای تأیید یک رویکرد خاص به کار گیرند تا نتایج منفی و مغایر را گزارش نکنند (۱۶).

افزون بر این موارد، تلاش‌های علمی، نباید به قصد کاربرد در جنگ‌ها یا ایجاد رعب و فشار به کار روند (۱۵). به هر ترتیب، لازم است که پژوهشگر، اصل بی‌طرفی را در نتایج پژوهش، مدنظر قرار دهد و هرگز دیدگاه‌ها و اغراض شخصی یا صنفی خود را بر موضوع تحقیق، تحمیل ننماید.

همگانی بودن

پژوهشگر باید نتایج پژوهشی خود را در اختیار جامعه قرار دهد تا دستاوردها و نتایج علمی او در دنیای علم، اثبات یا ابطال شود و به پیشرفت دانش کمک نماید. هر چند پژوهشگران به‌طور معمول، نتایج پژوهش‌های خود را به چاپ می‌رسانند؛ اما تا زمانی که این نتایج به چاپ برسد و در معرض ارائه به عموم قرار گیرد، زمان طولانی صرف

خطرات جدی کمتری نسبت به حوزه پزشکی روبروست، اما باید توجه داشت که آسیب‌های نهفته (غیرجسمی)، از لحاظ تشخیص و اندازه‌گیری بسیار مشکل‌ترند و اثرات بلند مدت آن‌ها نیز، به سختی ارزیابی می‌شود. نمونه‌هایی از آسیب‌های جدی در حوزه علوم اجتماعی عبارتند از: ایجاد اضطراب یا نگرانی فراتر از سطح معمول، دلوپسی، کاهش عزت نفس، احساس شرمساری، نگرانی از مشکلات جسمی، عکس‌العمل‌های منفی مشارکت‌کننده بعد از شنیدن هدف واقعی پژوهش که در ابتدا پنهان کاری شده است، آسیب‌دیدن روابط اجتماعی مشارکت‌کنندگان و ضرر مالی آن‌ها (۸).

می‌توان گفت بارزترین آسیب برای مشارکت‌کننده، افشای اطلاعاتی است که وی در اختیار پژوهشگر قرار داده و ممکن است حریم خصوصی، زندگی خانوادگی و روابط اجتماعی وی را به مخاطره بیندازد. همان‌گونه که بابی (۱۰) نیز اشاره کرده است، وظیفه پژوهشگر است که از این احتمالات مطلع باشد و در مقابل آن‌ها از مشارکت‌کنندگان محافظت نماید.

اصول اخلاقی مرتبط با انتشار نتایج پژوهش

پژوهشگر، همان‌گونه که نسبت به مشارکت‌کنندگان تعهد اخلاقی دارد، نسبت به جامعه نیز تعهدات اخلاقی‌ای دارد که باید به آن‌ها پایبند باشد:

صداقت

اخلاق پژوهش ایجاب می‌کند که پژوهشگر در ارائه صادقانه نتایج و توزیع و اشاعه آن به جامعه پژوهشی کوشا باشد. پژوهشگران، مسؤولیت ویژه‌ای برای ارزیابی دقیق نتایج پژوهش خود و عرضه آن به عموم دارند. پژوهشگر در مرحله تولید دانش نباید آگاهانه تحت تأثیر پیش‌دوری‌ها و اصول غیرمنطقی قرار گیرد و لازم است نتایجی را که واقعا از کار پژوهشی به دست آورده است، چه فرضیه‌های اصلی پژوهش را تأیید کنند و چه نکنند، صادقانه منعکس کند و از دخل و تصرف در آن‌ها بپرهیزد. در عین حال، پژوهشگر باید منابع اطلاعاتی‌ای را که در طول مدت پژوهش از آن‌ها بهره برده و حاصل تلاش و اندیشه دیگران‌اند، به‌طور دقیق ذکر کند و از حامیان پژوهش نیز با ذکر نامشان قدردانی نماید (۱۳، ۱۴).

خواهد شد، چنان که در اغلب موارد، بین تولید اثر علمی تا چاپ آن در نشریات ماه‌ها و حتی سال‌ها فاصله بوده است.

تمامی پژوهشگران، در پذیرش قراردادهایشان، باید اطمینان حاصل کنند که نتایج پژوهش‌ها انتشار می‌یابد و به بهره‌برداری می‌رسد. البته ممکن است به دلایل امنیت ملی، لازم باشد که نتایج به اطلاع عموم نرسد و اعلام نتایج به صورت عمومی به وقت دیگری موکول شود؛ اما به استثنای چنین شرایطی، پژوهشگران و مسؤولان پژوهش، باید تلاش کنند تا اطمینان یابند که عموم مردم به نتایج پژوهش دسترس دارند. هرگونه محدودیتی در مورد حق انتشار باید در همان قرارداد اولیه پژوهش قید شود (۱۳، ۱۷).

پژوهشگران لازم است اطمینان یابند که فعالیت‌های پژوهشی‌شان برای جامعه شناخته شده است؛ چرا که بدین ترتیب، درک علمی جامعه ارتقا می‌یابد و تعهد به عموم، پژوهشگر را در شناخت بهتر نیازها و علایق مردم و تعیین اولویت‌های علم و فناوری کمک خواهد کرد.

جامعه پژوهشی نیز وظیفه دارد از مساعدت‌هایی که پژوهشگران به دانش می‌کنند، با نقل قول‌های مستند، تقدیر کند (۱۸).

اخلاق مرتبط با پژوهشگر

جدا از اصول اخلاقی حاکم بر فرایند پژوهش که باید از سوی پژوهشگر در ارتباط با مشارکت‌کنندگان و انتشار نتایج پژوهش مورد توجه قرار گیرد، قواعد اخلاقی دیگری نیز در ارتباط با شخص پژوهشگر قابل ملاحظه است که در این نوشتار از آن‌ها به رفتارهای شایسته و ناشایست پژوهشگر تعبیر شده است. شاید به نظر برسد هیچ پژوهشگری نیاز به تعلیم خاصی در خصوص موضوعات اخلاقی مانند صداقت، امانت‌داری، پرهیز از سرقت ادبی و جعل و ... ندارد، اما این بحث از آن جا ضرورت می‌یابد که احتمالاً همه ما شرایطی را به خاطر می‌آوریم که واقعاً راجع به آن چه باید انجام دهیم و درباره درستی تصمیمی که اتخاذ کرده‌ایم، مطمئن نبوده‌ایم.

رفتارهای شایسته

• مسؤلیت حرفه‌ای

لازم است پژوهشگر، شرایط لازم و کافی را برای انجام پژوهش داشته باشد. پژوهش غیرحرفه‌ای، نه تنها به تولید علم و توسعه آن یاری نمی‌رساند، بلکه سبب سرگستگی محقق می‌گردد (۱۹). همچنین، پژوهشگر از این که مسؤول حفظ شایستگی حرفه‌ای است و باید در حوزه تخصصی‌اش صاحب دانش به روز باشد، آگاه است که ممکن است از طریق آموزش رسمی، کارگاه‌ها، همایش‌ها و یادگیری الکترونیکی حاصل شود. افزون بر این، پژوهشگر لازم است تمام تلاش خویش را برای پرهیز از دوباره کاری در موضوع پژوهش به کار بندد.

• امانت‌داری

پژوهشگر موظف است منبع هر مطلبی را که از دیگران نقل می‌کند، حتی اگر نقل به معنا باشد، دقیقاً ذکر کند. رعایت حق مالکیت معنوی در بهره‌گیری از اطلاعات به دست آمده، یکی از مصادیق امانت‌داری است (۱۹، ۲۰).

• شهامت

پژوهشگر ممکن است قبل از اجرای پژوهش، نگران مشکلات و موانعی باشد که بر سر راه پژوهش قرار دارند. وی، لازم است که با عزمی راسخ در انجام پژوهش، شهامت به خرج دهد و شروع به کار نماید و از بزرگ‌نمایی مشکلات و موانع بپرهیزد (۲۰).

• پرداختن به مسائل ضروری جامعه

در این زمینه، همان‌گونه که پیمپل و کالانتیری اشاره کرده‌اند، "پژوهشگر لازم است از فراگیری دانش مضر و غیرسودمند به حال جامعه بپرهیزد و با انتخاب موضوعات مناسب به تولید دانش مفید بپردازد" (۲۱، ۲۲).

• حقیقت‌جویی

پژوهشگر لازم است تمام تلاش خویش را در جهت کشف حقیقت به کارگیرد و هرگز ترسی از مشکلاتی که ممکن است دیگران برای او به وجود آورند، نداشته باشد. به ارسطو اعتراض شد که چرا حرمت استاد خود، افلاطون را نگه نداشته و دیدگاه‌های او را به نقد کشیده است. وی پاسخ داد: "افلاطون را دوست دارم؛ اما به حقیقت، بیش از افلاطون علاقه دارم" (۲۰).

• نقدپذیری

نقدی که بر آثار پژوهشگر نوشته می‌شود، بهترین هدیه‌ای است که می‌تواند به دست آورد. پژوهشگر باید از غرور و نابدباری دوری کرده، نقدها را ارج نهد و از آن‌ها در جهت بهبود کار خود بهره جوید (۱۹).

• نشاط

پژوهشگر لازم است در تمامی مراحل انجام پژوهش، شادابی و ذوق و شوق علمی خویش را حفظ کرده، خستگی به خود راه ندهد. از عواملی که باعث بی‌انگیزگی در انجام پژوهش می‌شوند می‌توان به بی‌علاقگی به موضوع تحقیق یا ابهام و عدم درک صحیح در موضوع تحقیق اشاره کرد (۲۰، ۲۳).

• درک و فهم قوانین، سیاست‌ها و مقررات

پژوهشگر لازم است از مقررات و سیاست‌های حرفه‌ای، سازمانی، دولتی و راهبردهای ملی در طرح، اجرا و گزارش‌دهی پژوهش مطلع باشد (۲۴، ۲۵). به عنوان نمونه، می‌توان به قوانین حق مالکیت معنوی و قوانین مرتبط با حامیان مالی پژوهش اشاره کرد.

• پاسخگویی

پژوهشگران لازم است آگاه باشند که در مقابل کارفرمایان، حامیان مالی و دیگر نهادهای خصوصی و عمومی و به خصوص در قبال جامعه پاسخگو هستند. به‌ویژه، پژوهشگرانی که با منابع مالی عمومی حمایت می‌شوند، در خصوص نتیجه بخش (کارآمد) بودن استفاده از پول مالیات دهندگان مسؤول‌اند. در نتیجه، باید طرفدار رفتار منطقی و شفاف و مدیریت کارآمد باشند و با یک حسابرس خبره که از طرف کارفرما یا حمایت‌کننده مالی طرح یا از طرف کمیته‌های اخلاقی مشخص شده، همکاری کنند (۲۵).

• رفتارهای ناشایست

رفتارهای ناشایست که از آن به آسیب‌شناسی پژوهش نیز تعبیر شده است، از ضرورت‌های هر پژوهش است. جعل، تقلب، تحریف، سرقت علمی و ادبی، غرض‌ورزی و زدن اتهام به دیگران، اعمال دیگری هستند که پژوهشگر باید به‌طور جدی از آن‌ها به دور باشد و در این زمینه از اصولی که به‌طور متداول در کمیته‌های اخلاق پژوهش دانشگاه‌ها یا مؤسسات برای طرح، اجرا، انتشار و گزارش پژوهش پذیرفته شده‌است، تبعیت کند. این موارد، اشتباه غیرعمد یا

برداشت‌های متفاوت در تفسیر و تحلیل داده‌های پژوهش را در برنمی‌گیرد (۱۹، ۲۰).

رابرت مرتون، جامعه‌شناس دانشگاه کلمبیا، سرقت ادبی و دیگر اشکال رفتارهای انحرافی در پژوهش را راهی می‌داند که تعداد اندکی از محققان برمی‌گزینند تا عدم تناسب میان مطالبه اصالت علمی و قابلیت واقعی آنها به‌عنوان یک محقق را مرتفع کند. به عبارت دیگر، گاه تفاوت میان آن‌چه محققان هستند با آن‌چه آرزو دارند باشند، باعث انگیزش آن‌ها برای ارتکاب سرقت ادبی و دیگر رفتارهای انحرافی مشابه می‌شود (۲۶).

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که بیان شد، پایبندی به اصول اخلاقی در پژوهش، هر چند بخشی از روش علمی نیست، اما برای تولید پژوهشی مناسب، به دور از آسیب‌های رایج در هر حوزه پژوهشی، اقدامی ضروری است. اگرچه ممکن است تصور شود پژوهش‌های حوزه علوم اجتماعی نمی‌توانند آسیب‌رسان باشند، اما پژوهشی که به شکل نامناسبی طراحی شده باشد و به‌درستی هدایت نشود، می‌تواند باعث وارد آمدن صدمات اجتماعی و احساسی شدید به پژوهشگر و آزمودنی شود. از این‌رو، در نوشتار حاضر به موارد اخلاقی پژوهش در حوزه علوم اجتماعی پرداخته شد و مهم‌ترین ابعاد اخلاقی پژوهش در ارتباط با مشارکت‌کننده (رضایت‌آگاهانه، حریم خصوصی، ناشناسی، محرمانگی و آسیب‌رساندن) و انتشار نتایج پژوهش (همگانی‌بودن و صداقت) و پژوهشگر (رفتار شایسته و رفتار ناشایست) مورد بررسی قرار گرفت و اما پس از آگاهی از همه موارد بالا، چگونگی کسب اطمینان از "اخلاقی بودن" پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی اهمیت می‌یابد، چرا که این‌گونه پژوهش‌ها، در حوزه موضوع، روش‌ها و رویکردهای روش‌شناسی متنوع هستند و موضوعات اخلاقی فراوانی را به میان می‌آورند که بسیاری از آن‌ها تنها بعد از شروع پژوهش، آشکار می‌شوند. راه حلی که در بسیاری از کشورها از جمله انگلستان (۲۷) به کار گرفته می‌شود، کسب موافقت برای انجام پژوهش از یک یا چند کمیته اخلاق پژوهش، استفاده از اصول اخلاق حرفه‌ای در جریان پژوهش، گزارش

نرگس خالقی: اخلاق پژوهش در حوزه علوم اجتماعی

ورزند. به هر ترتیب، انتظار می‌رود در کشوری که از پیشینه فرهنگی غنی برخوردار است و همواره مهد دانشمندان و پژوهشگران بوده است، امروز نیز، به‌منظور سر و سامان دادن به وضعیت اخلاقی پژوهش، بویژه در حوزه علوم اجتماعی و انسانی، تمهیدات لازم توسط نهادهای مسؤؤل (دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی، انجمن‌های علمی و ...) را به کار برد.

سپاسگزاری

مقاله حاضر، بخشی از کار پژوهشی انجام شده در طرح اخلاق کاربردی دانشگاه قم می‌باشد که بدین وسیله نهایت سپاس و قدردانی خویش را از سرکار خانم دکتر خزایی، سرپرست محترم طرح و جناب آقای دکتر محسن جوادی، ناظر طرح ابراز می‌دارم. همچنین از جناب آقایان حسام‌الدین دهقان نیری و محمدهادی خالقی که مرا در تدوین این اثر یاری نمودند، سپاسگزارم.

گام‌هایی که برای اخلاقی عمل کردن در حین پژوهش برداشته شده به همراه انتشار یافته‌های پژوهش و آموزش اصول اخلاقی پژوهش به دانشجویان حوزه علوم اجتماعی و انسانی است. مثال دیگر، دولت نروژ است که در سال ۱۹۸۸ دستور ایجاد سه کمیته اخلاقی را صادر کرد: کمیته اخلاق پزشکی، کمیته اخلاق در زمینه علوم طبیعی و فناوری، و کمیته اخلاق در حوزه علوم اجتماعی، انسانی و حقوق (۸). در کشور ما، به نظر می‌رسد کمیته یا نهاد خاصی که به تدوین و اجرای اخلاق پژوهش بپردازد، شناخته شده نیست. پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها، مؤسسات و نهادهای مرتبط با حوزه پژوهش و انجمن‌های علمی در رشته‌های علوم اجتماعی، در امر تدوین اصول و قوانین اخلاق پژوهش، اقدام نمایند و همچنین، به رسیدگی و نظارت بر مواردی که پژوهش غیراخلاقی صورت می‌گیرد، بپردازند. افزون بر این، فصلنامه‌های علمی - پژوهشی نیز می‌توانند در این کار، راهگشا باشند؛ چراکه می‌توانند با در نظر گرفتن اصول اخلاقی، از پذیرفتن پژوهش‌هایی که اصول اخلاق پژوهش را نادیده گرفته‌اند، امتناع

واژه‌نامه

1. The Nuremberg Cod	بیانیه نورمبرگ	5. privacy	حریم خصوصی
2. Declaration of Helsinki	بیانیه هلسینکی	6. Confidentiality	ناشناسی
3. Informed consent	رضایت آگاهانه	7. Anonymity	محرمانگی
4. Canadian Tri- Council	شورای کانادایی تی، آر، آی	8. Juicy quotes	خوش رنگ و آب جلوه دادن

منابع

۱. رنجبر احمد، روش تحقیق و مآخذ شناسی، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۸: ۸.
2. Social Science (2008). In Encyclopedia Britannica. Retrieved April 29, 2008, from Encyclopedia Britannica Available at: <http://search.eb.com.lib.pepperdine.edu/eb/article-9109542>. Accessed: 10 Aug. 2008
۳. کرمی خدابخش، اخلاق در پژوهش و نگارش، مرشد، ۱۳۸۰.
4. Philpot M. (2004). An Introduction to Ethics of Research in Psychiatry. Psychiatry. Vol.3: 26-29
5. Israel M., Hey L. (2006). Research Ethics for Social Scientists. London. Sage. 2006: 73- 74
6. Economic and Social Research Council (E.S.R.C) (2005). Research Ethics Framework (R.E.F). Available at: http://www.esrc.ac.uk/ESRCInfoCentre/Images/ESRCREEthicsFrame_tcm6-11291.pdf. Accessed: 10 Dec. 2007
۷. شهریارى حمید، حریم خصوصی و جامعه اطلاعاتی، پژوهش‌های فلسفی کلامی (فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم)، بهار و تابستان ۱۳۸۶، سال هشتم، شماره سوم و چهارم: ۱۰۱-۱۲۵.
8. The National Committee for Research Ethics in the Social Sciences and the Humanities (NESH) (2001). Guidelines for Research Ethics in the Social Sciences, Law and the Humanities. Available at: <http://www.etikkom.no/retningslinjer/NESHretningslinjer/NESHretningslinjer/Engelsk>. Accessed: 12 Dec. 2007
9. Homan R. (1991). The Ethics of Social Research. New York: Longman. P: 41
۱۰. بابی بارل، اصول اخلاقی در تحقیقات پیمایشی، ترجمه و تلخیص طاهره علیشاهی نورانی، پژوهش و سنجش، ۱۳۷۸، شماره ۱۹-۲۰: ۸۶-۹۹
۱۱. گوردن ووود، اخلاق پژوهش در علوم انسانی، ترجمه حمیرا الوندی، نشر ملل، ۱۳۸۵: ۲۶ و ۳۱.
12. Shaw I. (2003). Ethics in the Qualitative Research and Evaluation. Journal of Social Work 3(9): 9-29
۱۳. "اخلاق پژوهشگری تابعی از اخلاق حاکم بر جامعه". فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۷۶، ص. ۳- ۵. (گزارش ویژه).
14. "Research Ethics and Ethics Committees" (2001). Available at: http://www.csp.org.Uk/uploads/documents/csp_effecprac_res07.pdf. Accessed: 11 Dec. 2007.
15. Gustafsson B. etal. (1984). the Uppsala Code Of Ethics For Scientists. Journal of Peace Research 21 (4): 311-16.
16. Broom A. (2006). Ethical Issues in Social Research. Complementary Therapies in Medicinell 14 (2): 151-56.
17. National Committees for Research Ethics In Norway (NESH) (2006). Guideline for Research Ethics In The Social Sciences, Law And The Humanities. Available at: <http://www.etikkom.no/English/NESH/guidelines>. Accessed: 12 Dec. 2007.
۱۸. براکستون جان، بری ناتانیل، اخلاق پژوهش و دانش پژوهشی، دایره‌المعارف آموزش عالی، ج. ۱.
۱۹. قراملکی احد، خاستگاه اخلاق پژوهش، آینه میراث، دوره جدید، زمستان ۱۳۸۳، سال دوم، شماره چهارم، پیاپی ۲۷: ۷-۱۷.
۲۰. شریفی احمدحسین، اخلاق و پژوهش، پژوهش، پیش شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۴: ۱۰۳-۱۱۸.
21. Pimple, K (2001). Teaching Research Ethics. Available at: <http://www.indiana. Edu/~pointer/>. Accessed: 11 Dec. 2007.
۲۲. کلانتری اکبر، اخلاق زندگی، نشر معارف، ۱۳۸۵: ۱۰۲.
۲۳. آذربایجانی، مسعود، ضعف و قوت انگیزه در پژوهش، پژوهش، پاییز ۱۳۸۳، پیش شماره ۱: ۳۷-۴۸.
24. Brock G. (2000). Guidelines for The Responsible Conduct Of Researchers: General Principles. Available at: <http://www.uky.edu/HES.gwbrock/RCRCODE>. Accessed: 11 Dec. 2007.

25. European Commissions (2005). The European Charter for Researchers. Available at: <http://www.europa.eu.int/eracareers/europeancharter>. Accessed: 11 Dec. 2007.

۲۶. حری عباس، شاهیباغی اعظم، شیوه‌های استناد در نگارش علمی، رهنمودهای بین‌المللی. دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۵: ۲۰-۲۱.

27. Richardson S., McMullan M. (2007). Research Ethics in the UK: What Can Sociology Learn from Health? *Sociology* 41(9): 1115-1132.